

مطالعات باستان‌شناسی، دوره ۱۲، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۹

(از ص ۱ تا ص ۲۱)



[10.22059/jars.2020.201712.142520](https://doi.org/10.22059/jars.2020.201712.142520)

Print ISSN: 2676-4288- Online ISSN: 2251-9297

<https://jars.ut.ac.ir>

A Suggestion on the Location of the Islamic Torshiz City Based on Interdisciplinary Studies (GIS, Historical Texts and Archaeological Data)

Mohammad Esmaeil Esmaeili Jelodar

Assistant Professor, Department of Archaeology, University of Tehran

Reza Haydari

Master's Graduate of Archaeology, University of Tehran

Received: 31 December, 2017; Accepted: 21 September, 2020

Abstract

One of the most important reasons for the formation of cities is their geographic location. Sometimes these particular geographic conditions themselves cause the city to be displaced or it's obsolete or abandonment. In some cases, cities are destroyed by factors other than natural ones; these types of factors are directly related to humans. The historic city of Torshiz, based on historical sources, is one of the most important cities of the Islamic era in Khorasan, which changed its location by changing the cultural landscape of Torshiz province, changing the location that displaced the city from the western part to the eastern part. The cultural area of Torshiz includes Bardaskan, Khalil Abad and Kashmar in the southwest of Khorasan Razavi. Before the transfer of the historic city of Torshiz to the eastern part (the political area of current Kashmare city) around the middle of the 12th century AH, this city has been located in the present day of Bardaskan city area, and this is well traceable from historical sources. This research is aimed at analyzing historical data and analytical types of archaeological data, statistical models in the geographic information system and suggested written sources for the location of the historic city of Torshiz. The results of the research, based on the knowledge of written sources, archaeological data, and the help of the GIS, eventually revealed the historic site of Firoozabad has been shown as the city of Torshiz, obviously the archaeological excavations can enhance our information in this field.

Keywords: Torshiz, Bardaskan, Firoozabad site, location, GIS.

پیشنهادی بر جای نام‌شناسی شهر اسلامی ترشیز بر اساس مطالعات میان‌رشته‌ای (متون تاریخی، داده‌های باستان‌شناختی و G.I.S)

محمداسماعیل اسمعیلی جلودار*

استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه تهران

رضا حیدری

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه تهران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۱۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۳۱

چکیده

یکی از مهم‌ترین دلایل شکل‌گیری شهرها در بستر تاریخی آن‌ها، عوامل جغرافیایی آن‌هاست. شهر تاریخی ترشیز با استناد به منابع تاریخی، از جمله شهرهای مهم دوران اسلامی در خراسان است که با تغییر در مکانش، چشم‌انداز فرهنگی ولایت ترشیز را با تغییر همراه کرد؛ تغییر مکانی که باعث جابجایی شهر از بخش غربی به بخش شرقی آن شد. محدوده فرهنگی ترشیز شامل شهرستان‌های بردسکن، خلیل‌آباد و کاشمر در جنوب غربی خراسان رضوی است. تا پیش از انتقال شهر تاریخی ترشیز به بخش شرقی (محدوده سیاسی شهرستان کاشمر کنونی) در حدود اواسط قرن ۱۲ هجری قمری، این شهر در محدوده شهرستان امروزی بردسکن واقع بوده است. این پژوهش بر آن است تا با روش تاریخی و تحلیلی آماری، انواع داده‌های باستان‌شناسی (شامل استفاده از نتایج بررسی میدانی باستان‌شناختی منطقه)، مدل‌های آماری در سیستم اطلاعات جغرافیایی و منابع نوشتاری، پیشنهادی برای مکان شهر تاریخی ترشیز داشته باشد. تحلیل و ارزیابی نتایج به‌دست‌آمده از این بخش و تلفیق نتایج به‌دست‌آمده از پژوهش با تکیه بر آگاهی‌های منابع نوشتاری، محوطه‌های مهم شناسایی‌شده در بررسی باستان‌شناختی منطقه و کمک‌گیری از سیستم اطلاعات جغرافیایی (G.I.S) باعث شد تا در نهایت محوطه شناسایی‌شده باستانی فیروزآباد را به‌عنوان نزدیک‌ترین گزینه احتمالی برای جای نام ترشیز مطرح نماییم.

واژه‌های کلیدی: ترشیز، بردسکن، محوطه فیروزآباد، مکان‌یابی، GIS.

۱. مقدمه

جایابی مکان‌ها و شهرهای باستانی از موضوعات جذاب برای پژوهشگران، مورخان و به‌ویژه باستان‌شناسان است، در به نتیجه رسیدن این‌گونه مطالعات، منابع تاریخی به‌عنوان منابع در دسترس، بیشترین اطلاعات را ارائه می‌کنند. با این حال، این‌گونه اطلاعات همیشه همه جوانب مربوط به یک موضوع را ارائه نمی‌دهند. در این شرایط بهره‌مندی از سایر علوم و منابع اطلاعاتی، کمک‌کننده خواهد بود.

شهر ترشیز^۱ از جمله شهرهای تاریخی خراسان در ولایتی به همین نام قرار داشته است که در اکثر منابع تاریخی به آن اشاره شده است، اما این اشارات محدود به نام ترشیز بوده است و اطلاعات بیشتری از آن به دست نمی‌آید. در قدیمی‌ترین منابع جغرافیایی اسلامی به‌عنوان "پُشت" یا "بُست" خوانده شده است، در یک توالی زمانی از قرون میانی تا متأخر بانام‌های "طُرثیث"، "طُرثیث" و "تُرشیز" نیز خوانده شده است. تا پیش از انتقال شهر تاریخی ترشیز به شرق دشت (محدوده سیاسی شهرستان کاشمر کنونی) در حدود اواسط قرن ۱۲ هجری قمری، شهر ترشیز در محدوده شهرستان امروزی بردسکن (در غرب دشت) واقع بوده است و این مسئله از منابع تاریخی قابل‌ردیابی است. با این حال محل شهر ترشیز در بخش غربی دشت و تا پیش از قرن ۱۲ هجری قمری نامشخص است.

با توجه به محدودیت متون تاریخی، برای رسیدن به جای‌نام این شهر، در مقاله پیشرو، علاوه بر استفاده از داده‌های باستان‌شناختی، از مدل‌سازی مکان‌یابی مبتنی بر سیستم اطلاعات جغرافیایی (G.I.S) نیز استفاده شده است. در این روش، جغرافیا و متغیرهای زیست-محیطی به شناسایی بهترین بستر جغرافیایی برای تشکیل شهری تاریخی با مشخصات و توصیفات مطرح در متون تاریخی پرداخته شده و در نهایت نتایج مدل جغرافیایی و میزان هماهنگی آن با متون تاریخی و داده‌های حاصل از بررسی باستان‌شناسی در کنار هم قرار می‌گیرند و میزان همخوانی این سه نوع اطلاعات، دقت مدل پیشنهادی مکان‌یابی را نشان می‌دهد. این پژوهش با کنار یکدیگر قرار دادن اطلاعات جغرافیایی و باستان‌شناختی با در نظر گرفتن بهترین مکان جغرافیایی، محدوده‌های ایدئال برای شکل‌گیری و توسعه یک شهر تاریخی را نشان داد. پس از آن با در نظر گرفتن نتیجه تحلیل مقایسه‌ای یافته‌های باستان‌شناسی، محوطه موسوم به فیروزآباد نسبت به محوطه‌های همسان، بهترین گزینه مرتبط با جای‌نام شهر ترشیز تشخیص داده شد که در ادامه نتایج آن بحث و استدلال خواهد شد.

۲. بخش اول؛ ارزیابی و تحلیل متون تاریخی در جای‌نام شناختی شهر ترشیز

۲-۱. موقعیت جغرافیایی

بخشی از جغرافیای فرهنگی ولایت ترشیز، امروزه شامل محدوده جغرافیایی شهرستان بردسکن می‌شود. این شهرستان در حاشیه شمالی کویر نمک با مساحت تقریبی ۷۶۶۴ کیلومتر مربع واقع در گستره جغرافیایی استان خراسان رضوی، قرار دارد. این منطقه در فاصله ۲۶۵ کیلومتری جنوب غربی شهر مشهد واقع شده و در گستره ارتفاعی ۸۴۰ تا ۲۳۰۰ از سطح دریا قرار دارد. بر اساس آخرین تقسیمات کشوری دارای ۳ بخش مرکزی، انابت و شهرآباد، هفت دهستان و سه شهر بانام‌های بردسکن، انابد و شهرآباد و ۳۹۳ روستای دارای سکنه و خالی از سکنه است (حسینی، ۱۳۸۳: ۱۴).

^۱ - Torshiz

۲-۲. پیشینه تاریخی

با توجه به متون تاریخی، می‌توان موضوع مورد مطالعه را به پیش از اسلام برد؛ آنجا که در بُندهشن ایرانی و هندی از پُشت گشتاسبان یاد می‌شود: «گنابد کوه به همان پُشت گشتاسبان است، از آنجا به ریوند، که خانه آذربرزین مهر است، نُه فرسنگ به خاوران سوی اقرار دارد.» (دادگی، ۱۳۶۹: ۷۲، بهزادی، ۱۳۵۴: ۲۱۹). «پُشت» واژه‌ای است که در منابع جغرافیای تاریخی قرون اولیه دیده می‌شود. بلاذری نخستین کسی است که در منابع دوران اسلامی به بُشت اشاره می‌کند: «چون عثمان بن عفان به خلافت رسید عبدالله بن عامر بن کریز را به سال بیست‌وهشت و به قولی بیست‌ونه مأمور خراسان کرد، ابن عامر بُشت از توابع نیشابور و اشبند و رخ و زاوه و خواف و اسپروین و ارغیان نیشابور را بگشود و سپس به ابرشهر رسید و آن تختگاه نیشابور است.» (بلاذری، ۱۳۶۷: ۵۶۳). در واقع در این زمان بُشت که عربی شده پُشت است بر ما آشکار نیست که شهر است یا یک منطقه. نویسنده کتاب احسن التقاسیم فی معرفته الاقالیم در قرن چهارم هـ.ق. از دوازده روستای مهم نیشابور به این ترتیب یاد می‌کند: «نخستین روستاها [از طرف قبله] بُست، بیهق، گویان، جاجرم [ارغیان]، اسفراین، استوا، اسفند، جام، باخرز، خواف، زاوه، رخ می‌باشد.» (مقدسی، ۱۳۶۱: ۴۳۷) با توجه به این ترتیب بُست در جنوب نیشابور قرار می‌گیرد. مقدسی توضیح بیشتری می‌دهد و اشاره می‌کند که: «بُشت: مهمترین روستاهای دوازده‌گانه است، بزرگ و دارای هفت منبر است» (همان: ۴۶۵) و همچنین نام شهر این روستا طُرثیث است که خوب آباد است و اینجا درگاه فارس و اصفهان و انبار خراسان است و بیهق در پشت آن روستا [بُشت] قرار دارد (همان: ۴۶۶). همچنین بیهقی در ذکر مسیر سعید بن عثمان بن عفان که امیر خراسان بود این‌چنین می‌آورد که: «از راه اصفهان بناحیت بُست آمد و از آنجا بناحیت رخ رفت...» (بیهقی، ۱۳۶۱: ۱۲۶). با توجه به منابع تاریخی از جمله کتاب مقدسی که از منابع مهم قرن ۴ هـ.ق. است، مشخص می‌شود که بُشت و طُرثیث (ترشیز)، نخستین روستا و دومین شهر در یک محدوده جغرافیایی قرار داشته‌اند.

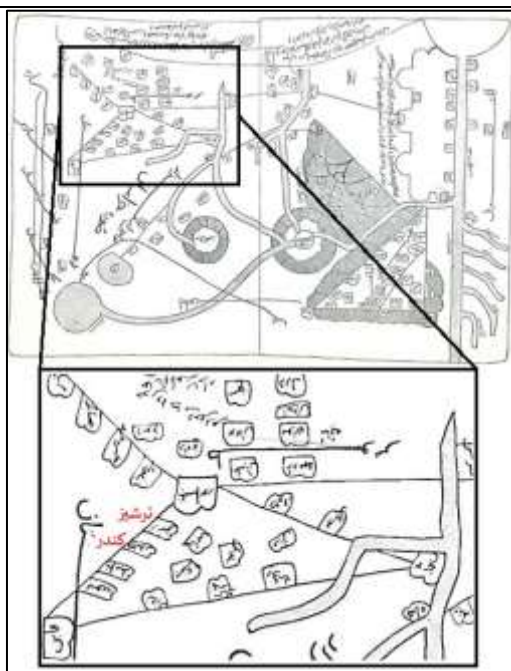
کتاب تاریخ نیشابور ما را به مکان پُشت در منابع اسلامی نزدیک می‌کند. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله در ذکر محدوده ربع ریوند و شامات در قرن چهارم هـ.ق. این‌گونه می‌آورد که: «ربع ریوند: از حد مسجد جامع بود تا مزرعه احمدآباد. اول حدود بیهق، طول او سیزده فرسخ. عرض او از حدود ولایت طوس تا حدود بُشت پانزده فرسخ.» «ربع شامات: از مسجد جامع تا حدود پشت طول آن شانزده فرسخ و عرض آن از حدود بیهق تا رُخ است.» (حاکم نیشابوری، ۱۳۷۵: ۲۱۴-۲۱۴). در واقع مسافت شرقی-غربی ربع ریوند از مسجد جامع تا حدود بیهق و اندازه شمالی-جنوبی آن از حدود ولایت طوس تا حدود پُشت در جنوب است. و ربع شامات نیز بدین گونه است که اندازه شمالی-جنوبی آن از مسجد جامع تا حدود پُشت در جنوب است و اندازه غربی-شرقی آن از حدود بیهق تا رُخ در شرق است (نقشه ۱).



نقشه ۱: ارباع و ولایات نیشابور بر اساس منابع نوشتاری (حاجی علیلو و لاله، ۱۳۹۲: ۱۰۵)

در کنار تاریخ نیشابور، نقشه‌ای که ابن حوقل از خراسان ترسیم کرده است مسیر قائن به نیشابور، شهر های بون، نیابذ، گُندر و ترشیز را نشان می‌دهد (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۰۲). آگاهی‌های ابن حوقل در مکان‌یابی ترشیز باستان کمک شایانی به ما می‌کند که در ادامه به آن بیشتر خواهیم پرداخت (نقشه ۲).

در محدوده جغرافیایی و فرهنگی ولایت ترشیز آبادی‌هایی وجود داشته‌اند، که امروزه نیز پابرجا هستند. ابومنصور عبدالملک بن محمد بن اسماعیل ثعالبی نویسنده کتاب *ثمار القلوب فی المضاف و المنسوب* در مدخلی از سرو بُست یاد می‌کند. او می‌نویسد: «در قریه کاشمر (کِشمر) از روستای بُست نیشابور سروی بود تناور که گشتاسب کاشته بود.» (ثعالبی، ۱۳۷۶: ۲۷۷). همچنین مؤلف آثار البلاد و اخبار العباد ذکر می‌کند که «کِشمر؛ دهی از اعمال نیشابور در محال موسوم به "بُشت" است.» (قزوینی، ۱۳۷۳: ۵۲۰). در مورد قریه خارزنج، سمعانی در ذیل "الخارزنجی" این گونه می‌آورد که «بفتح الخاء المعجمه و سکون الراء بعد الألف و فتح الزای و سکون النون و فی آخرها الجیم، هذه النسبة إلی خارزنج، و هی قریه بنواحی نیشابور من ناحیه بُشت.» (سمعانی، ۱۹۶۲: ۷) و همچنین در *مُعجم البلدان* اینگونه آمده است که «خارزنج: ناحیه من نواحی نیشابور من عمل بُشت» (حموی، ۱۹۹۵: ۳۳۶) است؛ که این شهر باستانی را با توجه به مطالعات صورت گرفته و اشارات منابع جغرافیای تاریخی در شمال شهر خلیل‌آباد کنونی دانسته‌اند (سعادت‌مند، ۱۳۸۴: ۳۲). انصاری دمشقی نیز از سرزمین بُشت نام می‌برد و ذکر می‌کند که «شهر آن گُندر نام دارد، مردمانش را به سبب فصاحت زبان، تازیان خراسان خوانده‌اند.» (انصاری دمشقی، ۱۳۸۲: ۳۵۰). با توجه به اشاره منابع جغرافیای تاریخی در مورد منطقه مورد مطالعه قریه‌ها و شهرهایی چون بُست، گُندر، کِشمر، خارزنج و ترشیز آباد بوده‌اند. شهرهایی چون گُندر و کِشمر امروزه نیز به عنوان شهرهای آباد در جغرافیای فرهنگی ترشیز قرار دارند. بر اساس منابع اگر منبع انصاری دمشقی را مدنظر قرار ندهیم، تمام منابعی که به منطقه اشاره کرده‌اند، واژه‌های بُشت و ترشیز را برای کلیت منطقه بیان کرده‌اند در حالی که شهرها و آبادی‌هایی نیز به همین نام در محدوده وجود داشته است و گاهی منظور نویسندگان شهر و گاهی کل محدوده فرهنگی بوده است. با توجه به نقشه ابن حوقل، شهر ترشیز در این دوران در غرب گُندر و بنابراین در بخش غربی ولایت ترشیز (شهرستان کنونی بردسکن) قرار داشته است (نقشه ۲).



نقشه ۲: مسیر ابن حوقل از قائن به نیشابور و ترشیز در میانه مسیر (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۰۴)

در قرون اسلامی ولایت ترشیز با چالش‌های سیاسی-فرهنگی زیادی روبرو بوده است. رویدادهایی که عواملی خارج از ولایت ترشیز مسبب آن‌ها بوده است و این رویدادها بر حیات سیاسی، فرهنگی، اقتصادی ولایت و آبادی‌های ترشیز تأثیر داشته است.

با آغاز جنبش اسماعیلیان، حسین قائنی در سال ۴۸۳ یا به روایتی ۴۸۴ هـ ق که خود نیز حاکم ترشیز بود به الموت رفت و مقام داعی بزرگ الموت را دریافت کرد (مستوفی، ۱۳۶۲: ۵۱۸)، وی بدلیل آشنایی با ترشیز خیلی زود توانست نفوذ خود را در ولایت ترشیز بسط دهد؛ بدین علت بود که خواجه منصور زورآبادی از بزرگان منطقه به مذهب اسماعیلی وارد شده بود (قزوینی رازی، ۱۳۵۸: ۹۴). اسماعیلیان ترشیز در سال ۴۸۹ یعنی چهار سال بعد از استقرار در قهستان در منطقه ترشیز دست به عملیات نظامی زدند و مناطق شمالی ترشیز تا ناحیه بیهق را به تصرف در آوردند. عملیات نظامی اسماعیلیان ترشیز باعث شد که دولت سلجوقی دست به تلافی بزند و منطقه ترشیز را مورد حمله قرار دهد. چنانکه در سال‌های ۵۲۰ و ۵۳۶ ارقش خاتونی وزیر سلطان سنجر، ده طرز در شمال ترشیز را تصرف نمود و اهالی ده را قتل عام کرد ولی رئیس اسماعیلیان به نام حسن سیمین خود را به مناره مسجد آبادی رسانیده و از مناره خود را پایین انداخته است (بیهقی، ۱۳۵۰: ۲۷۶ و ابن اثیر، ۱۳۹۴ ورژن وب: ۱۸۸). علاالدین محمود که همزمان با خلافت الظاهر بامرالله (شروع خلافت ۵۴۴ هـ ق) دوازدهمین خلیفه فاطمی بود، خواست خطبه به نام خلیفه عباسی بخواند؛ درحالی که بخش عمده‌ای از شهر مردمان اسماعیلی بودند، در این حال مردم عصبانی از این عمل خطیب شهر را کشته و منبر مسجد را به آتش کشیدند (آیتی، ۱۳۸۳: ۸۸)، در این زمان ترشیز بدون حاکم به دست اسماعیلیان افتاد (حموی، ۱۹۹۳: ۳۳). اسماعیلیان باعث درگیری‌های زیادی در ولایت ترشیز بودند این درگیری‌ها تا هجوم مغولان به منطقه ادامه داشت.

در زمان حمله مغولان، کیتوبوقا یکی از امرای مغول که در سال ۶۵۰ هـ.ق. بفرمان هولاکو به قصد تسخیر قلاع ملاحده حرکت کرد، پس از تسخیر قهستان با ده هزار از لشکریان به پای گردکوه رسید و آن را محاصره کرد و تون و ترشیز را گرفت و قسمتی از قلاع اسماعیلیان را تصرف کرد (اقبال، ۱۳۸۸: ۱۷۴). حمله مغول ویرانی‌های زیادی برای خراسان و بویژه منطقه ترشیز به دلیل حضور اسماعیلیان به همراه داشته است، با توجه به منابع تا پیش از حمله تیمور شرایط ترشیز مناسب بوده است، این منطقه تا پایان کار سرداران در قلمرو آنها قرار داشت به گونه‌ای که شرایط سیاسی در این دوران توانست تا حدودی ویرانی دوران مغول را از یاد ببرد. منابع مربوط به بازه زمانی ظهور و سقوط سرداران که وضعیت اقتصادی ترشیز اشاره کرده باشند، محدود هستند، ابوالفداء که تقویم البلدان را در اوایل قرن هشتم هـ.ق. به پایان رسانیده از اوضاع مناسب ترشیز یاد می‌کند (ابوالفداء، ۱۳۴۹: ۵۱۰). همچنین مستوفی در سال ۷۴۰ هـ.ق. از حصار حصین قلعه ترشیز یاد می‌کند (مستوفی، ۱۹۱۳: ۱۴۳).

حمله تیمور به ولایت ترشیز سبب تغییر در چشم انداز فرهنگی این منطقه شد. قلعه ترشیز بر اثر حمله‌ای که وصف آن در ظفرنامه یزدی آمده است توسط تیمور ویران می‌شود. مجمل فصیحی ذیل رویدادهای سال ۷۸۴ هـ.ق. تصرف ترشیز را توسط تیمور بیان می‌کند (خوافی، ۱۳۸۶: ۹۸۱). شرف الدین علی یزدی در ظفرنامه نوشته است که قلعه ترشیز حصنی بود نامدار و حصار محکم داشت و در ولایت قهستان بلندی باروی آن به مرتبه‌ای بود که پاسبانش اگر به کنگره می‌آمد از آسیب شیر فلک در خطر می‌بود و همچنین از ژرف خندقش یاد می‌کند، او می‌گوید در آن زمان محافظان قلعه سدیدیان بوده‌اند، که ملک غیاث‌الدین (از آل کرت به مرکزیت هرات) آن قلعه را به امیر علی سدید سپرده بود (یزدی، ۱۳۸۹، ۲۴۱-۲۴۲ و حافظ ابرو، ۱۳۸۰: ۵۷۶-۵۷۷). در این زمان تیمور قلعه را فتح می‌کند و به صورت کامل آن را ویران می‌کند.

به نظر نشانه‌های تغییر مکان شهر ترشیز از دوره صفوی آشکار می‌شود. صفویان نسب خود را به امام موسی کاظم (ع) می‌رساندند؛ مورخ معروف یعقوبی تأیید می‌کند که امام هفتم شیعیان فرزندی به نام حمزه داشته است، او می‌نویسد "موسی بن جعفر (ع) را ۱۸ پسر و ۲۳ دختر بود" او نام کلیه پسران از جمله حمزه را ذکر می‌کند (یعقوبی، ۱۳۵۶: ۴۲۱). حمدالله مستوفی در تاریخ گزیده نام حمزه را به عنوان یکی از فرزندان امام موسی کاظم قید می‌کند (مستوفی، ۱۳۶۲: ۲۰۴). آرامگاه امامزاده حمزه بن موسی به قول صحیح‌تر در سوسفید ترشیز قرار دارد (اسکندریگ، ۱۳۸۲: ۹). این امامزاده امروزه در میان شهر کاشمر قرار دارد و از این دوران بر اهمیت بخش شرقی ولایت ترشیز افزوده می‌شود. در این زمان منابع مکتوب هنوز اشاره‌ای به ساخت بنا یا شهر یا قلعه‌ای در این بخش از ولایت ترشیز ندارند.

در کتاب جهانگشای نادری از سلطان‌آباد ترشیز نامی به میان می‌آید (استرآبادی، ۱۳۷۷، ۷۸) در سال ۱۱۴۸ برای دفع افاغنه و حمله به هرات نادر و شاه طهماسب قرار شد که هر دو در سلطان‌آباد ترشیز به یکدیگر بپیوندند (استرآبادی، ۱۳۷۷: ۷۸) که گویا قلعه‌ای مستحکم بوده و در منابع تاریخی به سختی می‌توان آن را مکان‌یابی کرد چرا که سلطان‌آباد را در سبزووار و نیشابور نیز داریم. اما در سال ۱۹۱۰ سایکس نوشته است: شهر فعلی [کاشمر، که در آن زمان ترشیز خوانده می‌شد] توسط عبد العلی خان حکمران هرات از زیردستان نادر ساخته شده و توسط پسرش مصطفی قلی خان تکمیل گردیده است. این شهر دارای حصار است و جمعیتی برابر با ۷ یا ۸ هزار نفر دارد. در زلزله ۱۹۰۳ م. به شدت آسیب دید. این شهر امروز به ترشیز معروف است و آبادی‌ای به نام سلطانیه به همراه باغ و آرامگاه به نام سید حمزه برادر امام رضا (ع) [امام موسی کاظم (ع)] به آن متصل

است (سایکس، ۱۳۶۳ به نقل از خادمیان، ۱۳۸۰، ۵۶۲-۵۶۳). با توجه به این گزاره می‌توان گفت که در زمان نادرشاه شاهد انتقال مرکز شهری ولایت ترشیز از بخش غربی به شرقی هستیم.

۲-۳. ارزیابی متون تاریخی

بر اساس متون تاریخی مورد استفاده، نام محدوده مورد مطالعه در منابع جغرافیای تاریخی بر اساس یک خط زمانی در نخستین منابع، پُشت، بُشت، طُریث و تُرشیز ذکر شده است. همچنین بر اساس منابع ذکر شده آبادی‌ها و شهرهای دیگری چون کُندر، کِشمر و خارزنج در ولایت ترشیز وجود داشته است. درک برخی منابع از اشاره به شهر ترشیز، آن را در بخش غربی ولایت ترشیز و همچنین در غرب شهر کندر نشان داده است (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۰۴). در این مورد منابع متأخرتر با ذکر قلعه ترشیز به شهر اصلی ولایت ترشیز اشاره می‌کنند. از اواخر قرن ۸ هـ.ق، بعد از حمله تیمور مرکزیت ولایت ترشیز در قسمت شرقی رو به افول بوده است. به استناد منابع تاریخی این روند تا اواسط قرن ۱۲ هـ.ق ادامه داشته و در این زمان به دست یکی از فرماندهان افشاری قلعه‌ای کوچک در بخش شرقی ولایت ترشیز (شهر کاشمر کنونی) ایجاد می‌شود و تغییر در مرکزیت ولایت ترشیز از اهمیت بخش غربی ولایت می‌کاهد. در ادامه بر آن خواهیم بود تا با توجه به قدمت تاریخی این شهر، مدارک باستان‌شناسی و مدل‌های آماری در بخش غربی ولایت ترشیز به جستجوی مکان احتمالی شهر ترشیز و پیشنهاد جای نام آن بپردازیم.

۳. بخش دوم: تحلیل مطالعات باستان‌شناختی در جای نام شناسی شهر ترشیز

به استناد آنچه پیش از این مطرح شد، شهر اسلامی ترشیز حداقل تا اواخر قرن ۸ هـ.ق در بخش غربی ولایت ترشیز، شهری آباد و با اهمیت بوده است. این بخش با توجه به تقسیمات سیاسی در محدوده شهرستان بردسکن قرار می‌گیرد. مطالعات باستان‌شناختی در این بخش محوطه‌های استقرار دورانی اسلامی را مشخص کرده است. در نتیجه با در نظر داشتن توانمندی‌های چشم‌اندازی، گاهنگاری و وسعت محوطه‌ها، بهترین گزینه‌ها برای یک شهر مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

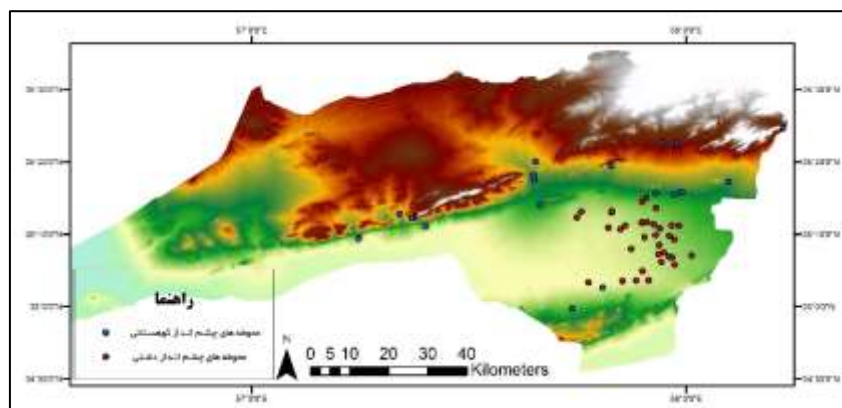
۳-۱. پیشینه باستان‌شناختی محدوده مورد مطالعه

نخستین بررسی باستان‌شناسی شهرستان بردسکن توسط دکتر بختیاری شهری در دهه ۷۰ شمسی انجام گرفت (بختیاری شهری، ۱۳۷۶). با این وجود، با توجه به سؤالات و اهداف پژوهش حاضر انجام یک بررسی جدید با رویکردی تعریف شده اجتناب‌ناپذیر بود. در نتیجه با ارائه پیشنهاد بررسی باستان‌شناسی به منظور بازنگری در مطالعات پیشین موافقت و با نظارت اداره میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری خراسان رضوی بررسی باستان‌شناسی در محدوده شهرستان بردسکن در مرداد و شهریور ماه سال ۱۳۹۵ توسط نگارنده دوم مقاله حاضر و آقای محمود طغرایی از باستان‌شناسان استان خراسان رضوی، انجام گرفت. در این بررسی تعداد ۶۰ محوطه شناسایی شد که قدیمی‌ترین آن مربوط به دوره مس سنگی متأخر و جدیدترین آن مربوط به دوره قاجاریه است. بزرگترین و کوچکترین محوطه‌های شناسایی شده مربوط به دوران اسلامی با ۴۸ هکتار و ۴۵۰

متر مربع است. شیوه بررسی بر اساس پیمایش فشرده سطحی در مناطق با احتمال بالا برای شناسایی آثار تاریخی، بوده است و نامگذاری محوطه‌ها بر اساس نام‌های محلی صورت گرفته است و کدگذاری محوطه‌ها بر اساس دو حرف بردسکن در نوشتار انگلیسی است (حیدری، ۱۳۹۶).

۳-۲. تحلیل و ارزیابی نتایج بررسی باستان‌شناختی

شهرستان بردسکن به سه چشم‌انداز کوهستانی، دشتی و صفا نمکی قابل تقسیم است که بر اساس این تقسیم بندی بررسی باستان‌شناختی انجام گرفت. در این بررسی تنها در صفا نمکی محوطه‌ای شناسایی نشده است. در مجموع تعداد ۵۶ محوطه مربوط به دوران اسلامی شناسایی شد (نقشه ۳) که تعداد ۲۱ محوطه مربوط به چشم‌انداز کوهستانی است؛ این محوطه‌ها شامل قلعه‌های کوهستانی و محوطه‌های استقرار در دامنه کوهستان با مساحت و پراکنش محدود داده‌های فرهنگی می‌باشند. چشم‌انداز دشتی نیز در بردارنده ۳۵ محوطه استقرار بیرون از محدوده‌های مسکونی امروزی می‌باشد و تمام محوطه‌های در این بخش دارای توانمندی‌های چشم‌اندازی برای معیشت کشاورزی و دامداری‌اند. داده‌های باستان‌شناسی در بخش غربی ولایت ترشیز (شهرستان بردسکن) اطلاعات مهم گاهنگاری را ارائه می‌دهند. حدود ۳۱٪ از محوطه‌های شهرستان بردسکن در بازه زمانی قرون ۱۱ الی ۵ هجری قمری قابل تاریخ‌گذاری هستند. محدوده جغرافیایی بیشترین تعداد محوطه با این گاهنگاری جهت ادامه مطالعه برای تعیین شهر اسلامی ترشیز انتخاب شد. محدوده قابل توجه در این بخش، جنوب شهرستان بردسکن است. تعداد چهار محوطه این منطقه از دیدگاه تاریخی و باستان‌شناسی به دلیل وضعیت قرارگیری‌شان در فاصله اندک از یکدیگر قابل اهمیت هستند. (تصویر ۱).



نقشه ۳: پراکندگی محوطه‌های دوران اسلامی شهرستان بردسکن در دو چشم‌انداز



تصویر ۱: قنوات و موقعیت چهار محوطه مورد مطالعه در جنوب شهرستان بردسکن روی *Google Earth* (تنظیم: نگارندگان)

محوطه‌های این محدوده کوچک از دیدگاه چشم‌اندازی برای هر دو شیوه معیشتی کشاورزی و دامداری مناسب‌اند و امروزه بیشترین تولیدات مربوط به کشاورزی و این ویژگی برای همه محوطه‌ها یکسان است. از دیدگاه گاهنگاری نیز محوطه عباس‌آباد (BR21) و همچنین محوطه محمودیه (BR44) با وجود سفالینه‌های گلابه‌ای معروف سبک نیشابور قابل بررسی‌اند که با توجه به نمونه‌های مقایسه شده با شهرهای اسفراین کهن و نیشابور به قرون ۳-۴ هجری قمری قابل انتساب هستند (Wilkinson, 1973:34 و قوچانی، ۱۳۶۴: ۵۹ و فرجامی و نیک‌گفتار، ۱۳۹۰: ۱۴۶) (تصویر ۲). وسعت محوطه‌های ذکر شده نیز برای هر دو محوطه با توجه به پراکنش داده‌های فرهنگی و وجود زمین‌های کشاورزی در پیرامون، حدود ۴ هکتار است.



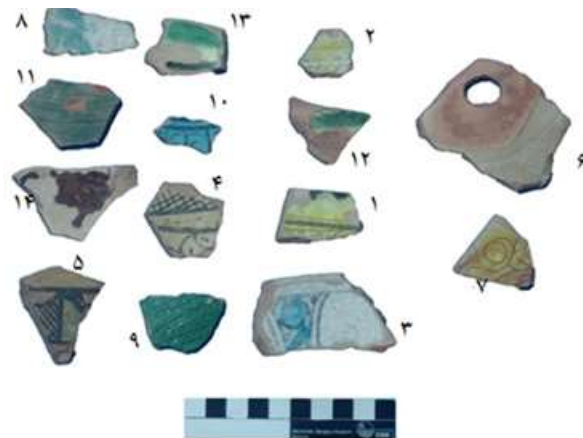
تصویر ۲: نمونه سفال‌های محوطه‌های عباس‌آباد و محمودیه

در این میان دو محوطه فیروز‌آباد (BR41) و مسیح‌آباد (BR40) از محوطه‌های قابل اهمیت در این مکان‌گزینی هستند. محوطه فیروز‌آباد یکی از محوطه‌های مورد بررسی در این پژوهش، در زمین‌هایی قرار دارد که مناسب کشاورزی است و در نتیجه سطح محوطه تسطیح شده است و برای فعالیت‌های کشاورزی آماده شده است (تصویر ۳)، با این وجود بقایای مشهود معماری در این محوطه وجود دارد که در ادامه اشاره خواهد شد. در سطح محوطه به وسعت تقریبی ۴۸ هکتار فراوانی بالایی از پراکنش سفالینه‌ها وجود دارد، با توجه به تراکم سفال‌ها در سطح، این محوطه در راستای شمال شرقی-جنوب غربی امتداد داشته است. همچنین چندین رشته قنات به این محوطه منتهی می‌شود.

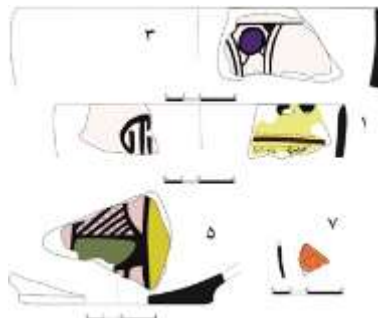
داده‌های فرهنگی این محوطه شامل سفال‌های لعابدار از گونه‌های مختلف است. گونه سفالی لعاب گلی با نقش سیاه و لکه زرد نمونه‌های شماره ۱ و ۲ در تصویر ۴ و ۵، نقوش با رنگ سیاه یا قهوه‌ای روی زمینه سفید ایجاد شده‌اند (جدول ۱) و در اطراف نقوش تزئینی رنگ زرد با شفافیت بکار گرفته شده است. نمونه‌های یاد شده با سفال‌های شهر جیرفت کهن مربوط به قرن ۳ هجری قمری قابل مقایسه‌اند (چوبک، ۱۳۹۱: تصویر ۲۹). گونه سفالی لعاب پاشیده با تزئین کننده نیز در مجموعه وجود دارد که لعاب پاشیده نارنجی در قطعه دیده می‌شود و با نمونه سفال شهر نیشابور مربوط به قرن ۳ و ۴ هجری قمری قابل مقایسه است (قوچانی، ۱۳۶۴: ۵۹).



تصویر ۳: نمایی از بخش غربی محوطه و در دوردست تپه فیروزآباد



تصویر ۴: نمونه سفال‌های محوطه فیروزآباد



تصویر ۵: طرح نمونه سفال‌های محوطه فیروزآباد

جدول ۱: ویژگی سفالینه‌های تصویر ۴ و ۵

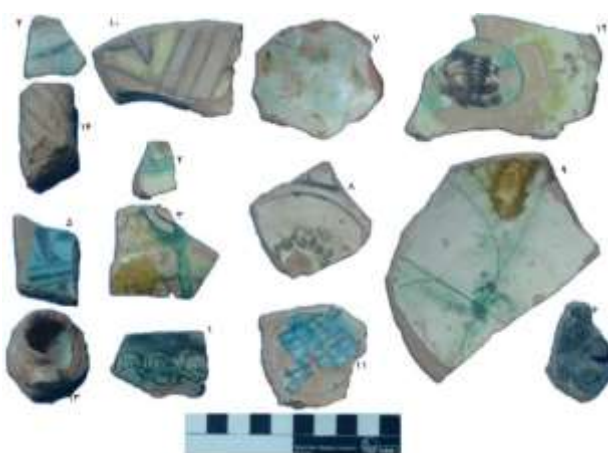
دوره (قرن قمری)	مقایسه با :	رنگ پوشش		توصیف	شماره
		خارج	داخل		
۳	(چوبک، ۱۳۹۱: تصویر ۲۹)	سفید	زرد	پخت کافی، خمیره قرمز نارنجی، چسباننده کانی، چرخ ساز، لبه	۱
۳	(چوبک، ۱۳۹۱: تصویر ۲۹)	سفید	زرد	پخت کافی، خمیره قرمز نارنجی، چسباننده کانی، چرخ ساز، لبه	۲
		سفید	سفید	پخت کافی، خمیره آجری، چسباننده کانی درشت، چرخ ساز، لبه	۳
۴-۳	(Wilkinson, 1973: 34: fig20a)	آجری تیره	آجری تیره	پخت کافی، خمیره قرمز نارنجی، چسباننده کانی، چرخ ساز، کف	۴
۴-۳	(Wilkinson, 1973: 34: fig20a)	آجری		پخت کافی، خمیره قرمز نارنجی، چسباننده کانی، چرخ ساز، کف	۵
		نخودی	آجری	پخت کافی، خمیره قرمز، چسباننده کانی، چرخ ساز، بدنه	۶
۳	(قوچانی، ۱۳۶۴: ۵۹)	سبز	خردلی	پخت کافی، خمیره قرمز نارنجی، چسباننده کانی، چرخ ساز، بدنه	۷
		آجری	آجری	پخت کافی، خمیره آجری، چسباننده کانی، چرخ ساز، بدنه	۸
۴-۳	(نیک گفتار، ۱۳۹۱: ۲۲۹)	سبز	سبز	پخت کافی، خمیره قرمز نارنجی، چسباننده کانی، چرخ ساز، بدنه	۹
۷	(گروبه، ۱۳۸۴: ۲۵۱)	فیروزه ای	فیروزه ای	پخت کافی، خمیره آجری، چسباننده کانی درشت، چرخ ساز، بدنه	۱۰
۴-۳	(نیک گفتار، ۱۳۹۱: ۲۲۹)	سبز	سبز	پخت کافی، خمیره قرمز نارنجی، چسباننده کانی، چرخ ساز، بدنه	۱۱
		سفید	سفید	پخت کافی، خمیره قرمز نارنجی، چسباننده کانی، چرخ ساز، بدنه	۱۲
		کرم	سبز	پخت کافی، خمیره قرمز نارنجی، چسباننده کانی، چرخ ساز، بدنه	۱۳
		آجری	قهوه ای	پخت کافی، خمیره آجری، چسباننده کانی، چرخ ساز	۱۴

دومین محوطه مورد نظر، محوطه مسیح‌آباد است. محوطه بزرگی که بخش اعظم آن به دلیل فعالیت‌های کشاورزی از بین رفته و با توجه به بررسی باستان‌شناسی وسعت آن ۴۵ هکتار تخمین زده شده است. در بخش غربی و شمالی و جنوبی و مرکزی این محوطه فعالیت‌های کشاورزی صورت می‌گیرد و تنها بخش شرقی این محوطه است که به دلیل قرارگیری در مجاورت راه و رشته قنات فعالیت‌های کشاورزی به این قسمت نرسیده است (تصویر ۶). در بخش غربی این محوطه بقایای کاروانسرای بزرگی به فرم مربع/مستطیل، که فقط بخش‌هایی از شمال غربی کاروانسرا باقی مانده است، دیده می‌شود. تنها شواهد معماری از محوطه، همین بخش است و بخش‌های دیگر به دلیل فعالیت‌های انسانی فاقد بقایای معماری مشهود است. بخش شرقی محوطه نیز به دلیل فعالیت‌های کمتر کشاورزی باقی مانده است. در این بخش تراکم بالای قطعات سفالی به چشم می‌خورد و دو رشته قنات از بخش جنوب شرقی محوطه عبور می‌کنند.

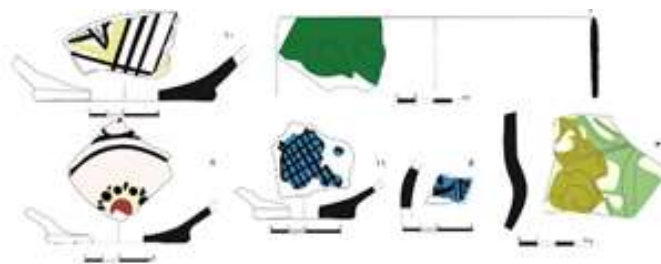
داده‌های سفالی مانند نمونه شماره ۸ در تصویر ۷ و ۸ از گونه سفال‌های چند رنگ لعاب گلی موسوم به سفال سامره است. این نوع که در نیشابور نیز بدست آمده است مربوط به قرون ۳-۴ ه.ق. است و ویلکینسون تعداد زیادی از این گونه سفال لعاب گلی را از نیشابور بدست آورده است (Wilkinson, 1973: 139). نمونه این مجموعه بخشی از کف یک ظرف سفالی با نقوش تزئینی به رنگ‌های سیاه و قهوه ای - قرمز در زمینه‌ای کرم رنگ ایجاد شده‌اند. در مرکز قطعه کف، نقطه‌ای قرمز رنگ ایجاد شده که با نقطه‌های سیاه رنگ، محصور شده است و همه این‌ها در نهایت در دایره ای بزرگ تر با خطوط سیاه محصور شده‌اند.



تصویر ۶: نمایی از بخش شرقی محوطه مسیح آباد



تصویر ۷: نمونه سفال‌های محوطه مسیح آباد



تصویر ۸: طرح نمونه سفال‌های محوطه مسیح آباد

جدول ۲: ویژگی سفالینه‌های تصاویر ۷ و ۸

دوره (قرن قمری)	مقایسه با:	رنگ پوشش		توصیف	شماره
		خارج	داخل		
		سبز تیره	سبز تیره	پخت کافی، خمیره قرمز نارنجی، چسباننده کانی، چرخ ساز، لبه	۱
۴-۲	(لک پور، ۱۳۸۹، طرح ۶۷ شماره ۴۳۷)	سفید	سفید	پخت کافی، خمیره قرمز نارنجی، چسباننده کانی، چرخ ساز، بدنه	۲
۴-۲	(لک پور، ۱۳۸۹، طرح ۶۷ شماره ۴۳۷)	کرم	کرم	پخت کافی، خمیره قرمز نارنجی، چسباننده کانی، چرخ ساز، بدنه	۳
		فیروزه ای	فیروزه ای	پخت کافی، خمیره نخودی، چسباننده کانی، چرخ ساز، لبه	۴
۷	(گروه، ۱۳۸۴: ۲۵۱)	فیروزه ای	فیروزه ای	پخت کافی، خمیره نخودی تیره، چسباننده کانی درشت، چرخ ساز، بدنه	۵

۶	پخت ناکافی، خمیره نخودی تیره، چسباننده کانی درشت، چرخ ساز، بدنه	سیاه	قرمز	
۷	پخت کافی، خمیره قرمز نارنجی، چسباننده کانی، چرخ ساز، کف	کرم	نخودی	(Wilkinson 1973:34:fig.20a) ۴-۲
۸	پخت کافی، خمیره قرمز نارنجی، چسباننده کانی، چرخ ساز، کف	کرم	آجری	(لکپور، ۱۳۸۹: تصویر ۳۸۸) ۴-۲
۹	پخت کافی، خمیره قرمز نارنجی، چسباننده کانی، چرخ ساز، کف	کرم	کرم	(قوچانی، ۱۳۶۴: ۵۹) ۴-۲
۱۰	پخت کافی، خمیره قرمز نارنجی، چسباننده کانی، چرخ ساز، کف	آجری	آجری	
۱۱	پخت کافی، خمیره آجری، چسباننده کانی درشت، چرخ ساز، کف	فیروزه ای	آجری	
۱۲	پخت کافی، خمیره قرمز نارنجی، چسباننده کانی، چرخ ساز، کف	کرم	کرم	(قوچانی، ۱۳۶۴: ۵۹) ۴-۲
۱۳	پخت کافی، خمیره قرمز نارنجی، چسباننده کانی، چرخ ساز، قطعه	آجری	آجری	
۱۴	پخت کافی، خمیره آجری، چسباننده کانی، چرخ ساز، دسته	نخودی	نخودی	

۳-۳. ارزیابی مطالعات باستان‌شناختی

در چشم انداز کوهستانی مساحت محوطه‌ها بیشتر از ۱۸ هکتار نیست، در این محدوده همچنین توانمندی‌های زیست-محیطی به خوبی به اثبات نرسیده است و محیط با محدودیت‌هایی برای هر دو شیوه معیشتی کشاورزی و دامداری روبرو است (حیدری، ۱۳۹۶: ۲۱۴-۲۱۵). در چشم‌انداز دشتی شهرستان بردسکن مساحت محوطه‌ها به ۵۰ هکتار می‌رسد، این بخش با توجه به فعالیت‌های امروزی، منطقه‌ای ایده‌آل برای فعالیت‌های انسانی است. به همین دلیل محدوده فوق‌الذکر در جنوب بردسکن که از دیدگاه گاهنگاری شامل چهار محوطه (BR44 و BR21 و BR40 و BR41) مربوط به قرون اولیه اسلامی می‌شود، مورد بررسی قرار گرفت (حیدری، ۱۳۹۶). در این شرایط محوطه‌های BR40 و BR41 بیشتر از ۴۰ هکتار مساحت دارند و بر اساس مطالعات تطبیقی سفال، هر دو محوطه تا قرون ۷ و ۸ ه.ق. آباد بوده و داده‌های فرهنگی مربوط به دوران بعد در این دو محوطه مشاهده نشده است. در ادامه این دو محوطه با روش سیستم اطلاعات جغرافیایی مورد تحلیل قرار خواهند گرفت.

۴. بخش سوم: مطالعات جی آی اس

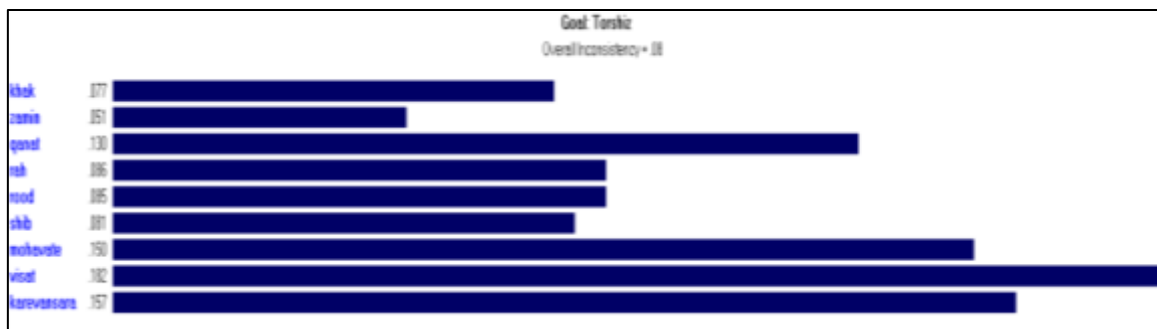
۴-۱. پیشنهادی بر مکان‌یابی شهر ترشیز با مدل‌سازی GIS

مکان‌یابی در علوم مختلف مربوط به زمین‌عملیاتی است که طی آن فرد متخصص با ارائه نیازها، اهداف و اطلاعات وضع موجود به دیگر کارشناسان و جمع‌بندی آنها در قالب نظرات و اهداف خود در پی دستیابی به بهترین انتخاب از انتخاب‌های موجود برای کاربری مورد نظر است. امروزه واژه مکان‌یابی در علوم مختلف مورد استفاده است، بیشترین کاربرد این مفهوم در مقالات و نوشته‌های باستان‌شناسی است که با رویکردهای تحلیلی-آماري در پی اعتبار بخشی بیشتر به نظریات خود هستند (بنگرید به، Wescott and Kvamme, 1990). در این مقاله نیز با کمک گرفتن از این مفهوم در باستان‌شناسی به دنبال پیشنهادی برای بهترین مکان برای ایجاد یک شهر باستانی هستیم تا به واسطه این پژوهش به جایابی شهر باستانی ترشیز در کنار بررسی سایر مدارک تاریخی و باستان‌شناختی، نزدیک‌تر شویم.

۲-۴. مدل سلسله مراتبی^۲ (AHP)

این روش یکی از روش‌های پرکاربرد برای رتبه‌بندی و تعیین اهمیت عوامل است که با استفاده از مقایسات زوجی گزینه‌ها به اولویت بندی هر یک از معیارها پرداخته می‌شود. در باستان‌شناسی نیز متغیرهای گوناگون طبیعی و انسانی برای رسیدن به بهترین نتیجه مدل، اعتبار دهی یا وزن دهی می‌شوند. اعتبار بخشیدن یا نبخشیدن (۱) به هر کدام از متغیرها در روش سلسله مراتبی انجام خواهد شد.

فرایند تحلیل سلسله مراتبی یک روش قوی برای تصمیم‌گیری در شرایطی که معیاری‌های تصمیم‌گیری متضاد، انتخاب بین گزینه‌ها را با مشکل مواجهه می‌سازد. این روش ابتدا در دهه ۱۹۷۰ به وسیله توماس ال‌ساعتی پیشنهاد گردید (L. Saaty, 1980). به نقل از زبردست، ۱۳۸۰: ۵۳). فرایند تحلیل سلسله مراتبی، یکی از جامع‌ترین سیستم‌های طراحی با معیارهای چندگانه است. این تکنیک امکان فرموله کردن مسأله را به صورت سلسله مراتبی فراهم می‌کند و همچنین، امکان در نظر گرفتن معیارهای مختلف کمی و کیفی را فراهم می‌سازد. از آنجایی که برخی شهرها، در بسترهای ایده آل ایجاد شده و توسعه می‌یابند، در این پژوهش با توجه به هدف، ۹ شاخص برای تعیین مکان‌یابی بهترین محل برای شهر باستانی ترشیز انتخاب شده است. شاخص‌ها عبارت‌اند از: الف) رده‌های خاکی، زمین مناسب، قنات، راه، رود، شیب زمین، ب) محوطه‌ها، وسعت محوطه‌ها، کاروانسرا. ابتدا به این شاخص‌ها با توجه به تأثیرپذیری آنها در مکان‌یابی وزن‌هایی اعمال شد (در اعمال وزن‌ها از مدل‌سازی‌های ارائه شده برای تاثیر عوامل طبیعی بر مکان‌گزینی محوطه‌های دوران اسلامی شهرستان بردسکن استفاده شده است: نک؛ حیدری، ۱۳۹۶).

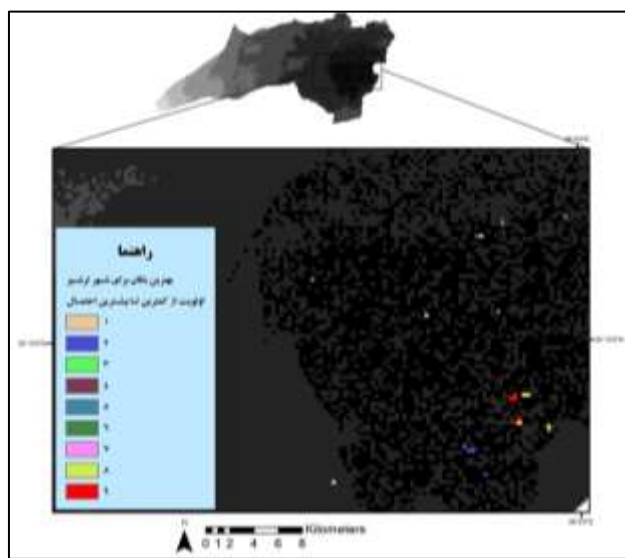


تصویر ۹: ضریب سازگاری شاخص‌های پژوهش

برای استاندارد سازی لایه‌ها ابتدا تک تک معیارها مورد بررسی و مقایسه قرار می‌گیرند، عملیات محاسبه وزن‌ها و محاسبه ضریب سازگاری توسط نرم افزار *EXPEAR CHOICE* انجام گرفت. یکی از مزیت‌های روش *AHP*، امکان بررسی سازگاری در قضاوت‌های انجام شده برای تعیین ضریب اهمیت معیارها است. سازوکارهایی که پروفیسور توماس ال‌ساعتی برای بررسی سازگاری در قضاوت‌ها در نظر گرفته است، محاسبه ضریبی به نام ضریب سازگاری است. این شاخص باید از ۰/۱ کمتر باشد (مرشدی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۰۱-۱۰۲). قابل ذکر است که این ضریب برای داده‌های پژوهش ما کمتر از ۰/۱ یعنی برابر ۰/۰۸ بدست آمده است که نشان دهنده قابل قبول بودن نتیجه است (تصویر ۹).

² - Analytical Hierarchy Process

با استفاده از نرم افزار ArcGIS 10.4 لایه‌های وزن‌دار با هم تلفیق شدند، در نتیجه خروجی این فرایندها، نشان دهنده بهترین مکان‌ها برای ایجاد شهر ترشیز خواهد بود. فضاهای مشخص شده در خروجی (نقشه ۴) به نُه گروه (اولویت) تقسیم شده است که محدوده شماره ۱ کمترین و محدوده شماره ۹ بیشترین اولویت را برای مکان شهر ترشیز دارد.



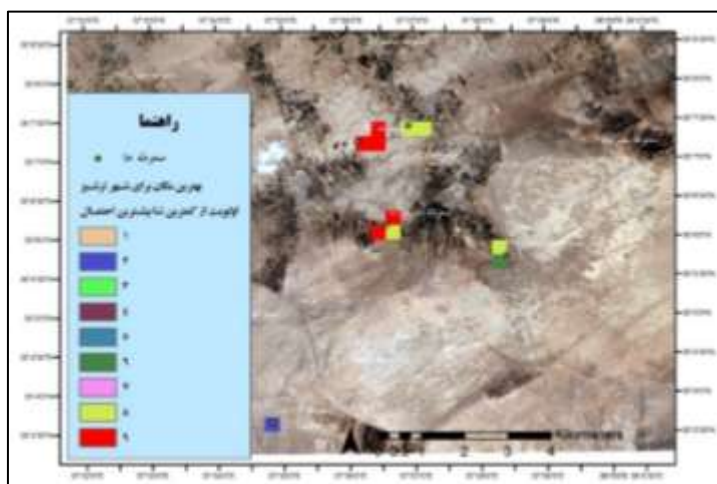
نقشه ۴: بهترین مکان‌ها برای جایابی شهر ترشیز

خروجی و نتیجه مدل، همان محدوده‌ای را نشان می‌دهد که پیش از این در مطالعات باستان‌شناختی مورد بررسی قرار گرفته است. در این محدوده دو محوطه مسیح‌آباد و فیروزآباد قرار دارند، این دو محوطه با توجه به متغیرهای طبیعی در بهترین شرایط قرار دارند و با توجه به داده‌های باستان‌شناسی در محدوده بیشترین تراکم محوطه‌های باستان‌شناسی و نزدیکترین محوطه‌ها به کاروانسراهای موجود در شهرستان بردسکن می‌باشند. بر اساس نتایج حاصل از مطالعات باستان‌شناختی و مدل آماری این دو محوطه به عنوان بهترین مکان‌ها برای شهر دوران اسلامی ترشیز در نظر گرفته می‌شود (نقشه ۵).

۵. نتیجه‌گیری

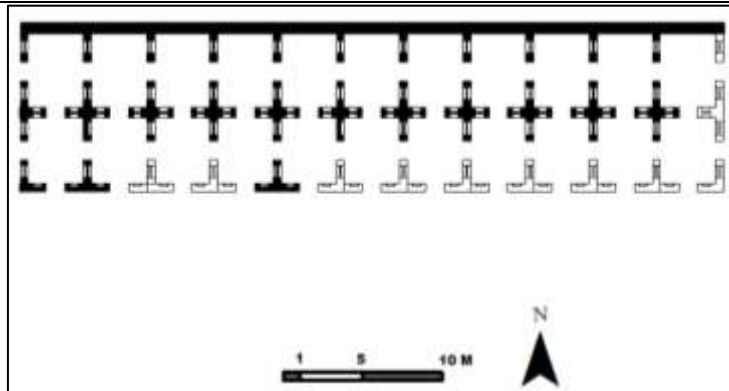
تعیین محلی برای شهر ترشیز کهن بدون داشتن شواهدی مکتوب امری دشوار و بعید به نظر می‌رسد، با این وجود تا زمان پیدا شدن منابع مکتوب برای پاسخ دادن به پرسش بزرگ محل شهر ترشیز، می‌توان به داده‌های بررسی باستان‌شناسی و فرایندهای تحلیلی-آماري برای نزدیک شدن و ارائه یک پیشنهاد مستقل در جهت تعیین محل شهر ترشیز تلاش کرد. آنچنان که مطرح شد منابع تاریخی اطلاعات کلی درباره ترشیز ارائه می‌دهند. دو دسته از اطلاعات در این زمینه مهم هستند: نخست؛ اطلاعاتی که ما را به موقعیت جغرافیایی شهر ترشیز راهنمایی می‌کنند و دوم، اطلاعاتی که درباره تغییر مکان شهر ترشیز به ما آگاهی می‌دهند. بر اساس همین دو دسته اطلاعات این پژوهش شکل گرفته است. بر اساس نوشته ابن حوقل (۱۳۶۶: ۱۰۴) و نقشه ارائه

شده از خراسان (ر.ک به نقشه ۲)، ترشیز در غرب شهر کندر (براساس متون تاریخی تغییری در موقعیت این شهر در طول تاریخ گزارش نشده است) قرار دارد و تا پیش از تغییر مکان شهر ترشیز به بخش شرقی (شرق کندر) در قرون متأخر در محدوده مورد مطالعه (شهرستان بردسکن) قرار داشته است و تنها در قرون متأخر تاریخ خراسان بنا به دلایل سیاسی و نظامی (یزدی، ۱۳۸۹ و حافظ ابرو، ۱۳۸۰) و ایدئولوژیکی (اسکندربگ، ۱۳۸۲) جایگاه شهر تغییر می کند.



نقشه ۵: محوطه‌های مسیح آباد و فیروزآباد در نقشه نهایی مکانیابی شهر ترشیز

با توجه به این تحولات تاریخی جایگاه شهر ترشیز، پیش از تغییر مکان آن در ناحیه غربی با ابهام همراه است. با این وجود، امید می‌رود نتایج بررسی باستان‌شناسی و مدل‌های آماری در این مورد کمک کننده باشند. مدل مکان‌یابی که با استفاده از نرم افزار ArcGIS10.4 تهیه و اجرا شد و با توجه به شاخص‌های ارائه شده، یک محدوده مشخص را برای مطالعه بیشتر ارائه می‌دهد. این محدوده در جنوب شهرستان بردسکن شامل محوطه‌هایی با گاهنگاری مشابه و فاصله نزدیک به یکدیگر می‌شود، دو محوطه با توجه به مساحت گسترده از اهمیت بالایی برخوردارند، محوطه فیروزآباد و مسیح‌آباد، مناطق با اولویت بالا در نقشه شماره ۵ از مدل جی. آی. اس. استخراج شده‌اند. این محوطه‌ها دو ویژگی مشترک دارند که بر اساس این دو متغیر نمی‌توان یکی را بر دیگری ارجح دانست. نخست؛ موضوع گاهنگاری؛ با توجه به مطالعات تطبیقی، داده‌های سفالی هر دو محوطه شامل قرون اولیه تا قرون ۷ و ۸ ه.ق. است، بدیهی است با توجه به قدمت شهر ترشیزگمانه زنی‌های باستان‌شناختی می‌تواند سفالینه‌های دوران تاریخی را در هر محوطه آشکار کند. دوم؛ وسعت هر محوطه که بیشتر از ۴۰ هکتار است. در کنار این موارد شواهد معماری تخریب شده نیز در هر دو محوطه قابل مشاهده است. میزان تخریب‌ها در محوطه فیروزآباد زیاد است. معماری محوطه مسیح‌آباد نیز متحمل تخریب‌های فراوان شده است و تنها آثار معماری باقی مانده در غرب این محوطه، بقایای بخشی از ضلع شمالی کاروانسرای با غرفه‌های دوتایی به ابعاد ۳×۲ است (پلان ۱).



پلان ۱: بقایای معماری ضلع شمالی کاروانسرای تخریب شده؛ محوطه مسیح آباد

اما شرایط برای محوطه فیروزآباد متفاوت است. با وجود تخریب‌های صورت گرفته به دلیل فعالیت‌های کشاورزی، چند فضای منحصر به فرد از این محوطه شناسایی شده است. در این محوطه تپه‌ای به فرم پایه دایره ای به قطر ۱۴۵ متر و ارتفاع ۱۸ متر از زمین‌های اطراف وجود دارد. همچنین بقایای یک باروی بزرگ در بخش جنوب شرقی تپه بزرگ وجود دارد. بقایای تخریب شده این محوطه عظمت ارگ و بارویی را نشان می‌دهد که احتمالاً می‌تواند مربوط به دوره تیموری بوده باشد (یزدی، ۱۳۸۹). با توجه به منابع نوشتاری مورد مطالعه، در دو گزاره تاریخی از خندق که پیرامون ترشیز (ارگ یا شهر ترشیز مشخص نیست) وجود داشته است، یاد می‌شود؛ در حدود سال ۵۹۶ چون ملاحده (اسماعیلیان)، نظام الملک [نظام الدین صدرالدین] وزیر علاالدین تکش سلطان خوارزمشاهی را کشتند، سلطان پسر خود ملک قطب الدین را با لشکری گزین به قهستان فرستاد که در مرحله اول مأمور به حاصره ترشیز و پرکردن خندق آن شد (آیتی، ۱۳۸۳: ۳۱۶ و جویی، ۱۳۸۷: ۳۹۵). همچنین یزدی از ژرفای خندق قلعه ترشیز یاد می‌کند که به دور قلعه ایجاد شده بود (یزدی، ۱۳۸۹، ۲۴۱-۲۴۲). با توجه به محدودیت منابع آبی در ولایت ترشیز آب این خندق به چه طریقی تأمین می‌شده است؟ تخریب‌های صورت گرفته و تسطیح کردن زمین‌های محوطه برای فعالیت کشاورزی باعث ناپدید شدن خندق پیرامون قلعه ترشیز در محوطه فیروزآباد شده است. از کناره شمالی این محوطه کانال آبی که از رودخانه شش طراز کندر آغاز می‌شود که تا جنوب غربی محوطه فیروزآباد امتداد دارد. در نهایت کانال به زمین‌های مسطح غرب محوطه منتهی می‌شود (تصویر ۱۰).

این کانال، آب شش طراز کُندر را به حاشیه شمالی محوطه فیروز آباد می‌آورد و خندق قلعه ترشیز را به احتمال زیاد از طریق همین کانال پرآب می‌کرده اند. امروزه نیز کانال در مواقع بارندگی‌های طولانی پر آب می‌شود که کشاورزان از آب آن برای زمین‌های کشاورزی خود استفاده می‌کنند. شواهدی از طبیعی یا مصنوع بودن این مجرای آبی در دست نیست اما کانالی مشابه این نمونه در دشت بردسکن وجود ندارد.



تصویر ۱۰: عبور کانال آب از شمال محوطه فیروزآباد

ویژگی‌هایی چون گاهنگاری و وجود خندق نشان دهنده عظمت محوطه فیروزآباد است که می‌توان بقایای آن را به عنوان شهر تاریخی ترشیز مطرح کرد. شهر دوران اسلامی ترشیز در اواسط قرن ۱۲ هـ.ق. با ایجاد قلعه‌ای کوچک به محل شهر کاشمر کنونی منتقل شده است، حمله تیمور به قلعه ترشیز در بخش غربی ولایت، بیشترین انگیزه این انتقال بوده است. روند افول شهر از این زمان آغاز و این روند در زمان صفویه براساس اهمیت‌های ایدئولوژیکی بخش شرقی ولایت ترشیز افزایش یافته بود، چرا که صفویان نسب خود را به امام موسی کاظم (ع) می‌رساندند و آرامگاه امامزاده حمزه از فرزندان آن امام در سوسفید (اکنون در حاشیه جنوبی شهر کاشمر) قرار گرفته بود. داده‌های باستان‌شناسی مربوط به این دوره از سطح محوطه فیروزآباد بدست نیامده است اما، به نظر از قلعه تخریب شده ترشیز در این زمان استفاده می‌شده است به گونه‌ای که شاه عباس، احمد سلطان را مأمور به تعمیر قلعه می‌کند (اسکندریگ، ۱۳۸۲: ۱۶۱۸). با این وجود کاوش‌های باستان‌شناسی در این زمینه برای تعیین هویت و گاهنگاری دقیق این محوطه، می‌تواند به عنوان سخن نهائی عمل کند.

سپاسگزاری

نگارندگان از آقایان محمود طغرایی، کارشناس باستان‌شناسی معاونت میراث فرهنگی مشهد و احمد صابری زارع، مدیریت اداره میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری شهرستان بردسکن و دکتر محمود بختیاری شهری، عضو هیئت علمی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان خراسان رضوی برای همکاری در راستای انجام مطالعات میدانی این پژوهش تشکر ویژه دارند.

پی‌نوشت‌ها

۱. تغییر چشم اندازه‌ها، باعث تغییر در اهمیت متغیرها می‌شود. برای درک میزان اهمیت هر متغیر، باستان‌شناسی چشم‌انداز تأثیر هر متغیر را بر محوطه‌های انسانی می‌سنجند. بعد از سنجیدن میزان کارایی هر متغیر می‌توان در مدل سلسله‌مراتبی به متغیر، وزن و اعتبار مناسب را پیشنهاد داد.

منابع

- ابن اثیر، عزالدین، (۱۳۹۴)، *تاریخ کامل*، جلد ۲۶ و ۱۱، کتابخانه دیجیتال قائمیه، اصفهان
- ابن حوقل، محمد، (۱۳۶۶)، *سفرنامه ابن حوقل: ایران در صور الارض*، به تصحیح جعفر شعار، امیر کبیر، تهران.
- ابوالفداء، عمادالدین، (۱۳۴۹)، *تقویم البلدان*، ترجمه: عبدالمحمد آیتی، بنیاد فرهنگ ایران، تهران
- استرآبادی، میرزا مهدی خان، (۱۳۷۷)، *جهانگشای نادری*، به اهتمام: سید عبدالله انوار، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران.
- اسکندربیک، (۱۳۸۲)، *تاریخ عالم آرای عباسی*، تصحیح: ایرج افشار، امیر کبیر، تهران .
- اقبال، عباس، (۱۳۸۸)، *تاریخ مغول از حمله چنگیز تا تشکیل دولت تیموری*، امیر کبیر، تهران
- انصاری دمشقی، شمس‌الدین محمد، (۱۳۸۲)، *نخبه‌الدهر فی عجائب البر والبحر*، تصحیح: حمید طیبیبیان، اساطیر، تهران
- آیتی، عبدالمحمد، (۱۳۸۳)، *تاریخ و صاف*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران
- بختیاری شهری، محمود، (۱۳۷۶)، *شناسایی و بررسی آثار تاریخی شهرستان بردسکن*، آرشیو اداره میراث فرهنگی، شهرستان بردسکن، منتشر نشده
- بلادری، احمد بن یحیی، (۱۳۶۷)، *فتوح البلدان*، ترجمه: محمد توکل، نقره، تهران
- بهزادی، رقیه، (۱۳۵۴)، *بررسی بندهش هندی*، پایان‌نامه اخذ مدرک دکتری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، منتشر نشده
- بیهقی، ابوالفضل محمد بن حسین، (۱۳۵۰)، *تاریخ بیهقی*، تصحیح: علی اکبر فیاض و به اهتمام: محمد جعفر یاحقی، دانشگاه فردوسی، مشهد .
- بیهقی، ابوالفضل علی بن زید، (۱۳۶۱)، *تاریخ بیهقی*، تصحیح: احمد بهمنیار، فروغی، تهران .
- ثعالبی نیشابوری، ابومنصور، (۱۳۷۶)، *ثمار القلوب فی المضاف والمنسوب*، ترجمه: رضا انزابی نژاد، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد
- جوینی، عطاملک بن محمد، (۱۳۸۷)، *تاریخ جهانگشای جوینی*، جلد دوم، تصحیح: محمد بن عبدالوهاب قزوینی، هرمس، تهران
- چوبک، حمیده، (۱۳۹۱)، «سفالینه‌های دوران اسلامی-شهر کهن جیرفت»، *مطالعات باستان‌شناسی*، دوره ۴ شماره ۱، بهار و تابستان، ص ۸۳-۱۱۲
- حاجی علیلو، سولماز و لاله، هاید، (۱۳۹۲)، *بررسی باستان‌شناختی پهنه فرهنگی نیشابور از منظر معدن‌کاوی و فلزکاری کهن در دوران اسلامی*، مجله پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، ص ۱۰۱-۱۲۰
- حافظ ابرو، شهاب‌الدین، (۱۳۸۰)، *زبده‌التواریخ*، جلد دوم، مصحح: کمال حاج سید جوادی، وزارت فرهنگ و اشاد اسلامی سازمان چاپ و انتشارات، تهران
- حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، (۱۳۷۵)، *تاریخ نیشابور*، ترجمه: خلیفه نیشابوری، محمد بن حسین، تصحیح و تعلیق: شفیعی کدکنی، محمدرضا، آگه، تهران
- حسینی، احمد، (۱۳۸۳)، *تاریخ بردسکن با نگاه ویژه به ترشیز قدیم*، امید مهر، سبزوار
- حموی، یاقوت بن عبدالله، (۱۹۹۳)، *معجم البلدان*، جلد چهارم، دار صادر، بیروت
- حموی، یاقوت بن عبدالله، (۱۹۹۵)، *معجم البلدان (المجلد الثانی)*، دار صادر، بیروت
- حیدری، رضا، (۱۳۹۶)، «بررسی چشم‌انداز باستان‌شناختی شهرستان بردسکن در دوران اسلامی (از ابتدا تا قرن ۱۳ هجری قمری)، ارزیابی کارایی تحلیل GIS برای تفسیر چشم‌انداز فرهنگی بومی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی: دکتر محمد اسماعیل اسمعیلی جلودار، گروه باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات، دانشگاه تهران [منتشر نشده]

- خادمیان، کاظم، (۱۳۸۰)، فرهنگ جغرافیایی ایران، خراسان، آستان قدس رضوی، چاپ اول، مشهد.
- خوافی، احمد بن محمد (۱۳۸۶)، مجمل فصیحی، جلد دوم و سوم، مصحح: محسن ناجی نصرآبادی، اساطیر، تهران
- دادگی، فرنیغ، (۱۳۶۹)، بندهش، تصحیح: مهرداد بهار، توس، تهران
- زبردست، اسفندیار، (۱۳۸۰)، «کاربرد تحلیل سلسله مراتبی در برنامه ریزی شهری و منطقه‌ای»، مجله هنرهای زیبا، شماره ۱۰، تهران
- سعادت‌مند، ایرج، (۱۳۸۴)، کتاب ترشیز "نگاهی به تاریخ و جغرافیای شهرستان کاشمر"، موسسه فرهنگی هنری-انتشاراتی ضریح آفتاب، مشهد
- سمعانی، عبدالکریم بن محمد بن منصور، (۱۹۶۲)، الانساب (المجلد الخامس)، مصحح: عبدالرحمن بن یحیی المعلمی، دائرة المعارف العثمانیة، حیدرآباد-هند
- فرجامی، محمد و نیک گفتار، (۱۳۹۰)، گزارش تکمیلی فصل چهارم کاوش باستان شناسی شهر تاریخی بلقیس اسفراین، جلد اول، کتابخانه پژوهشکده باستان شناسی (منتشر نشده).
- قزوینی رازی، عبدالجلیل، (۱۳۵۸)، النقص، به تصحیح: میرجلال‌الدین محدث، زر، تهران
- قزوینی، زکریا بن محمد، (۱۳۷۳)، آثار البلاد و الاخبار العباد، ترجمه: میرزا قاجار، جهانگیر، امیر کبیر، تهران
- قوچانی، عبدالله، (۱۳۶۴)، کتیبه های سفال نیشابور، وزارت ارشاد اسلامی، اداره کل موزه ها، موزه رضا عباسی، تهران
- گروبه، ارنست، (۱۳۸۴)، سفال اسلامی، ترجمه: فرناز حائری، کارنگ، تهران
- لک پور، سیمین، (۱۳۸۹)، کاوش ها و پژوهش های باستان شناسی دره شهر (سیمره)، پازینه، تهران
- مرشدی، جعفر و برنا، رضا و اصغری پور دشت بزرگ، اسماء و احمدی، هدی و ظاهری عبده وند، زینب، (۱۳۸۹)، «مکان یابی نیروگاه های بادی با استفاده از فرایند سلسله مراتبی (AHP) در محیط GIS»، مجله کاربرد سنجش از دور و سیستم اطلاعات جغرافیایی در برنامه ریزی، سال اول، شماره ۲، صص ۹۷-۱۱۱
- مستوفی، حمدالله، (۱۳۶۲)، تاریخ گزیده، بکوشش: نوایی، عبدالحسین، امیر کبیر، چاپ دوم، تهران
- مستوفی، حمدالله، (۱۹۱۳)، نزهة الفلوب، تصحیح: گای لسترنج، بریل، لیدن
- مقدسی، ابو عبدالله محمد، (۱۳۶۱)، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ترجمه: علینقی منزوی، مولفان و مترجمان ایران، تهران
- نیک گفتار، احمد، (۱۳۹۱)، گزارش فصل پنجم کاوش باستان شناختی شهر تاریخی بلقیس اسفراین، جلد اول، کتابخانه پژوهشکده باستان شناسی (منتشر نشده).
- یزدی، شرف الدین علی، (۱۳۸۹)، ظفرنامه، جلد ۱، به تصحیح: سید سعید میرمحمدصادق و عبدالحسین نوایی، کتابخانه‌ی موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران.
- یعقوبی، احمد بن اسحاق، (۱۳۵۶)، تاریخ یعقوبی، جلد دوم، ترجمه: محمد ابراهیم آیتی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران
- Wilkinson, C. 1974. Nishapur: pottery of the early Islamic period. New York: Metropolitan Museum of Art
- Kvamme, Kenneth L. 1992. A Predictive Site Location Model on the High Plains: An Example with an Independent Test. Plains Anthropologist 37:19-40
- Wescott, Konnie L. and Brandon R. Joe. 2011. Practical Applications of GIS for Archaeologists: A Predictive Modelling Toolkit. CRC Press